

واکاوی فقهی - حقوقی میزان اجرت المثل زنان شاغل

زهرا سادات میرهاشمی*، هلیا اقدامی**

چکیده

در حقوق اسلام زوجین تکالیف و وظایف معینی نسبت به یکدیگر دارند. بر اساس قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده، اگر زوجه، کارهایی را که شرعاً و قانوناً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت المثل باشد، به دستور زوج و با قصد عدم تبرع انجام داده باشد، بنا به شرایطی مستحق دریافت اجرت المثل خواهد بود. این پژوهش با هدف نفی دیدگاه پرداخت اجرت المثل کمتر به زنان شاغل با استفاده از احکام و قواعد فقهی و بر مبنای تحلیل آرای قضایی صادر شده در این زمینه، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. روش این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است، که با استفاده از احکام عام در اجاره اشخاص و قواعد فقهی لاضرر، میسور، نفی عسر و حرج و احترام به مال و عمل مسلم، به نقد دیدگاه موافق با پرداخت اجرت المثل کمتر به زنان شاغل پرداخته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تعلق میزان اجرت المثل کمتر به زنان شاغل خلاف قواعد است و در برخی موارد منجر به حکم ناعادلانه خواهد شد؛ چرا که در بیشتر موارد زنان شاغل توانسته‌اند با غلبه بر اتلاف وقت‌ها و حسن مدیریت در جامعه و خانه به تمامی امور خانواده رسیدگی کنند؛ لذا ملاک تعیین میزان اجرت باید بر اساس میزان عمل و نه میزان زمان حضور در منزل در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی

اجرت المثل، حق الزحمه، زنان شاغل، وظایف زوجیت، اجرت المثل کار خانگی.

*. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول) (z.mirhashemi@alzahra.ac.ir)

** دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (helia.eghdami@gmail.com)

۱- مقدمه

نهاد خانواده، اصلی ترین رکن جامعه و زمینه ساز سعادت و یا شقاوت انسان‌ها و امت‌هاست. اهمیت خانواده در پایداری جوامع بشری، مراجع قانون گذاری را بر آن داشته تا با شناخت عوامل مؤثر بر تزلزل این بنای مهم اجتماعی و ارائه راه حل، از فروریختن آن جلوگیری کنند؛ و از آن جایی که عمده ترین منشأ اختلافات زن و مرد در ایام زناشویی، عدم شناخت زوجین از حقوق یکدیگر است، تلاش اندیشمندان بر این است که با تبیین وظایف هر یک از زن و شوهر در چهارچوب احکام اسلام و گام‌های مؤثر مراجع قانون گذاری در تصویب قوانین مناسب، مانع جدایی زن و شوهر و در نتیجه بروز آثار زیان بار طلاق گردند (انصاری پور و صادقی مقدم، ۱۳۸۴، ص ۲).

در این راستا تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی^۱، یکی از قوانین کاربردی و عادلانه‌ای است که به دقت مورد توجه قانون گذاران قرار گرفته است و به موجب این تبصره، چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت المثل باشد، به دستور زوج و با قصد عدم تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید.

۱۱۶

هرچند این قانون نگاه درست و دقیقی نسبت به احترام به اعمال خارج از وظایف زوجه در منزل شوهر داشته است، اما باید دید آیا این قانون نگاه عادلانه‌ای به تمام اقشار زنان جامعه کنونی داشته است؟ به نظر می‌رسد که طبق حکم برخی از دادگاه‌ها، اجرت المثلی که به زنان شاغل تعلق می‌گیرد، کمتر از اجرت المثل زنان خانه دار است، چرا که زنان شاغل بیشتر در خارج از خانه بوده و بنابراین برای رسیدگی به امور خانه زمان کمتری را صرف می‌کنند و به همین دلیل زنان خانه دار باید اجرت المثل بیشتری دریافت کرده و زنان شاغل هم اجرت المثل کمتری را دریافت کنند. طبق آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۸، ۱۶ درصد از زنان در کل کشور شاغل بودند که می‌تواند دلایل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... متفاوتی داشته باشد (سامانه ملی مرکز آمار ایران). اکثر زنان شاغل در کشور ما علاوه بر دغدغه‌ها و وظایف شغلی، برای صرفه جویی اقتصادی از آوردن خدمتکار مضایقه می‌کنند و به شخصه انجام امور منزل را برعهده گرفته و از دست رنج خود برای خانه و خانواده مایه می‌گذارند؛ حال باید اعمال و کارهایی که برعهده زوجه نبوده است مورد حمایت قانون قرار گیرد، تا خسران و ضرری فاحش متوجه زوجه نشود.

۱. تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی: چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید.

درست است که زنان شاغل زمان کمتری را در خانه هستند؛ اما این لزوماً به این معنا نیست که رسیدگی کمتری به امور خانه و خانواده دارند؛ چرا که در فرهنگ جامعه کنونی ما اکثر بانوان شاغل حتی اگر از میزان استراحت و اوقات فراغت و آسایش خود بزنند، سعی می‌کنند در خانه چیزی کم نگذارند؛ اما متأسفانه توجه به زحمات و فداکاری‌های آنها که شاید هم چندبرابر باشد، مغفول مانده و نگاه برخی از قضات و صاحب نظران به درصد بسیار ناچیزی از بانوان شاغل است که برای امور منزل از خدمتکار کمک می‌گیرند و یا از رسیدگی به امورات منزل سر باز می‌زنند؛ لذا این پژوهش در نظر دارد با استفاده از احکام و قواعد فقهی به واکاوی و نقد این نظر در خصوص زنان شاغل بپردازد.

لازم به ذکر است که اصل اساسی برای حفظ و استحکام بنیان خانواده، اخلاق مداری و فداکاری است و نه نگاه مادی و مالی؛ اما از آن جا که اجرت المثل ایام زوجیت به عنوان حقی مالی برای بانوان در قانون کشور ما در نظر گرفته شده است، پژوهش حاضر درصدد نقد آرای وارده بر تعلق میزان اجرت المثل کمتر به زنان شاغل در عین رسیدگی کامل به امور منزل است و به هیچ وجه ترویج نگاه طلبکارانه بین زوجین و افزایش اختلافات خانوادگی در این راستا مورد تایید نمی‌باشد. همان طور که قانون‌گذار قواعد و قوانین حقوقی ناظر بر روابط زوجین را برای موارد و شرایط خاص اختلافی وضع کرده است، ناگزیر محققین نیز باید در موارد لازم و نقاطی که در آنها اختلاف نظر وجود دارد و از آن مهم‌تر، در مواردی که عدالت بر مبنای قواعد حقوقی را در برخی نظرات حقوقی و یا آرای دادگاه‌ها مورد خدشه می‌بینند وارد بحث شده و نظر صائب بر اساس مبانی و منابع و قواعد فقهی و حقوقی را ابراز نمایند.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

بحث «اجرت المثل در ایام زوجیت» همواره مورد توجه برخی از پژوهشگران بوده است. برخی از محققین این موضوع را (پورعبدالله و سرخ حصارى، ۱۳۹۴)؛ (کاظمی، ۱۳۹۱)؛ (قاسم زاده و مرادی، ۱۳۹۴) از منظر مبانی فقهی و حقوقی و برخی دیگر (حاتمی و زبرجد، ۱۳۹۴) از منظر حقوقی و قانونی مورد بررسی قرار داده و به تبیین شرایط استحقاق آن در قانون پرداخته‌اند. برخی نیز (انصاری پور و صادقی مقدم، ۱۳۸۴) به نقد آرای محاکم پرداخته‌اند. با این توضیح در این بخش شرح مختصری از سابقه‌های پژوهشی مرتبط با موضوع مقاله بیان می‌شود.

انصاری پور و صادقی مقدم (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان «اجرت المثل کارهای زوجه و نقد آرای محاکم در این زمینه» مبانی قانونی حق زوجه را، مبنی بر دریافت حق الزحمه برای کار

در خانه از نظر حقوق اسلام و ایران و طریقی را که چنین حقی در دادگاه ها مورد اجرا قرار می گیرد، مورد بررسی قرار داده است.

کاظمی (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی فقهی-حقوقی اجرت المثل زوجه در ایام زوجیت و میزان کارآمدی قوانین در استیفای آن» به تبیین مبانی فقهی اجرت المثل ایام زوجیت و جایگاه حقوقی آن در قوانین و بررسی شرایط تعلق اجرت المثل به زوجه و چگونگی تعیین میزان و زمان مطالبه اجرت المثل از سوی زوجه پرداخته است.

پورعبدالله و سرخ حساری (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «مبانی فقهی و حقوقی اجرت المثل خانه داری و بررسی وظایف شرعی زوجه در فقه» به بررسی مبانی فقه و حقوق مطالبه اجرت المثل، ابهام‌های موجود در قوانین مانند تعیین وظایف شرعی زوجه، قصد تبرع، موارد تخلف از وظایف همسر داری که مانع دریافت اجرت المثل است؛ پرداخته است. حاتمی و زبرد (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «اجرت المثل ایام زوجیت و نحله با نگرش بر قانون حمایت خانواده مصوب اسفند ۱۳۹۱» به بررسی وضعیت حقوقی فعلی اجرت المثل ایام زوجیت و نحله در حقوق ایران با نگرشی بر قانون حمایت خانواده پرداخته است. قاسم زاده و مرادی (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی تحت عنوان «اجرت المثل زوجه در فقه و حقوق ایران با نظر به قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱» مبانی شرعی و قانونی اجرت المثل زوجه، زمان استحقاق و مطالبه آن را تبیین کرده و به نقد و بررسی مواد قانونی پرداخته است.

آنچه که باعث تمایز پژوهش حاضر از سایر پژوهش‌ها می شود، نگاه اختصاصی آن به «میزان اجرت المثل زنان شاغل» است که مبتنی بر نگاه فقهی-حقوقی است و به واکاوی دوباره قانون اجرت المثل نسبت به این قشر از بانوان-زنان شاغل- می‌پردازد، که در سایر تحقیقات یافت نمی‌شود.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد، همین طور بر پایه گردآوری اطلاعات به شیوه مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای به نوشتار درآمده است. تحقیق توصیفی فعالیتی برای توضیح و تشریح عینی و دقیق وقایع و خصوصیات جامعه مورد نظر یا موضوع مورد علاقه محقق است. تحقیقی است برای حقیقت‌یابی و شرایطی را که در یک زمان معین وجود دارد توصیف می‌کند. پژوهشگر در این گونه تحقیقات سعی می‌کند آنچه را که هست، بدون هیچ گونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش نماید و نتایج عینی از موقعیت مورد مطالعه به دست آورد و در آن تحقیق در مورد علت وجودی توزیع و روابط علت و معلولی متغیرها بحث نمی‌کند بلکه صرفاً به چگونگی آن در

جامعه مورد پژوهش پرداخته و آن را توصیف می‌کند. محققانی چون دالن^۱ و می^۲ به نقل از ایزاک^۳، اهداف تحقیق توصیفی را به صورت زیر بیان می‌کنند:

۱. گردآوری اطلاعات عینی جامع و کامل که پدیده موجود را توصیف کند.
۲. شناسایی مسائل و موضوعات با توجه به شرایط و فعالیت های جاری.
۳. انجام مقایسه و ارزیابی.
۴. اطلاع از اقداماتی که سایرین در مسائل و موضوعات یا در موقعیت‌های مشابه انجام داده‌اند و بهره‌وری از تجربیات آنها در تصمیم‌گیری‌ها و تدوین طرح‌های آینده (زکیا و دربان آستانه، ۱۳۹۷: ۳۴۱).

۴- تعریف مفاهیم

در این بخش تلاش شده است قبل از ورود به بحث به تعریف مفاهیم و مولفه‌های اصلی پژوهش پرداخته شود.

۴-۱- اجرت المثل

«اجرت واژه‌ای عربی و اسم است و جمع آن اجر (با ضم الف) است.» (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۳) کلمه اجرت در معنای دستمزد استعمال می‌شود و مزدبگیر را اجیر گویند. گاهی نیز به معنای پاداش معنا می‌شود که ارتباطی به بحث ما در این پژوهش ندارد. در اصطلاح فقه، اجرت به معنای عوضی است که مستاجر در قبال استفاده از منفعت مال یا کار، به موجر یا اجیر می‌پردازد (خمینی، ۱۴۲۶: ۴۵۴).

«اجرت به اجرت المسمی و اجرت المثل تقسیم می‌شود. اجرت المسمی مقدار اجرتی است که در عقد بر آن توافق می‌شود، یا پرداخت آن مبلغ در نزد طرفین عقد معین است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۱۱) «در تعریف اجرت المثل آمده است، اجاره بهایی است که پس از تمام شدن اجاره، از روی میزان اجاره نظایر آن معین شود» (عمید، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۸۴). «برای اجرت المثل، در کتب فقه به جهت وضوح آن تعریف خاصی آورده نشده است؛ ولی از مجموع فتاوا می‌توان برداشت کرد اجرت المثل اجرت متعارفی است که بدون تعیین از جانب طرفین عقد نسبت به عمل، بعد از انجام کار پرداخت می‌شود» (طوسی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۵۰؛ حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۵۶؛ نجفی ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۳۳۶، یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۵۸۹).

1. Dalen
2. Meyar
3. Ezak

۲-۴- اشتغال

در مورد اشتغال تعاریف متعددی آمده است و از دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی و مدیریتی به این موضوع نگاه می‌شود. برای مثال یکی از متداول‌ترین تعاریف اشتغال در حوزه مدیریت بدین صورت است: اشتغال به معنی عوامل تولید یا ظرفیت‌های موجود، در فضای صنعتی، تولیدی، کشاورزی و خدمات است. یکی دیگر از تعاریف که دانشمندان مدیریتی ارائه داده‌اند، عبارت است از: متخصص و کارآمد در مشاغل مختلف و تطبیق آن‌ها با پست‌های تخصصی به نحوی که نیل به اهداف سازمانی را برای ما امکان‌پذیر سازد. به عبارت دیگر به نقل از هیللیج و پالارد^۱ اشتغال پذیری عبارت است از توانایی به دست آوردن و حفظ کار تمام وقت که در شرایط کنونی، فناوریها و تجربیات روی آن تاثیر زیادی دارند (طیبی و دهقانان: ۱۳۹۸).

۵- ادله و مستندات فقهی و قانونی اجرت المثل ایام زوجیت

در این بخش به ادله و مستندات ضرورت پرداخت اجرت المثل ایام زوجیت در فقه و قانون پرداخته شده است.

۵-۱- ادله و مستندات فقهی

در بررسی ادله و مستندات فقهی ابتدا به تبیین ادله‌ای که در فقه امامیه برای استحقاق عامل نسبت به اجرت المثل عمل خود بیان شده است، می‌پردازیم.

۵-۱-۱- قاعده احترام مال و عمل مسلم

در زمینه مبنای فقهی اجرت المثل ایام زوجیت می‌توان به قاعده احترام مال و عمل مسلم اشاره کرد. در تعریف این قاعده آمده است: مقصود از احترام مال مسلم، مصونیت آن از تصرف مجانی و تعدی بر آن است؛ بدین معنا که مال مسلمان محترم است و تعدی و تجاوز بر آن جایز نیست و اجرت آن باید پرداخت شود (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۱۷). در کتب مختلف فقهی نیز آمده است که هرکس به دستور دیگری عملی را انجام دهد که دارای اجرت است و عامل قصد تبرع نداشته باشد، به اقتضای احترام عمل مسلم باید اجرت کار او را پرداخت کرد (یزدی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۱۲؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۰، ص ۳۹۱؛ لنگرانی، ۱۴۲۴: ۵۳۱).

در بیان علل قاعده احترام مال و عمل مسلم می توان به دو مورد یعنی بنای عقلاء و روایات اشاره کرد که در ادامه هر کدام به صورت مجزا بیان می شوند.

۵-۱-۱-۱- بنای عقلاء

برخی از علماء احترام به مال را قاعده‌ای عقلایی دانسته که شامل مال مسلمان و حتی غیر مسلمان می گردد. لذا مفاد قاعده‌ی فوق را از احکام امضایی اسلام دانسته و معتقدند که زندگی عقلاء بر این امر بنیاد گردیده است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۱۸). توضیح آن که اصل در اموال، منافع و اعمال متعلق به انسان، این است که چیزی بدون اجازه‌اش از اختیار او خارج نشده و تصرف در آن هم بدون رضایت وی نمی باشد و این را جمیع عقلاء در همه‌ی ملت‌ها و مذاهب‌ها می پذیرند و روایات وارد شده در شریعت در باب این قاعده، تأیید شارع بر این بنای عقلاء بوده، نظر ایشان نسبت به احترام به اموال، منافع و اعمال را تثبیت می سازد. این معنا - احترام به اموال - از حقیقت ملکیت و تسلط انسان بر اموال، بلکه بر منافع ناشی می شود و این نوع از سلطنت برای مالک، سبب حکم عدم جواز مزاحمت غیر بدون اذن او می گردد و خسارت هر مزاحمتی که به تلف مال یا عمل منجر گردد، باید جبران شود (همان، ج ۲، ص ۲۱۸).

۵-۱-۱-۲- روایات

مهم ترین روایت برای اثبات قاعده‌ی احترام، روایتی است که از امام باقر (ع) وارد شده است: دشنام به مؤمن، فسق و جنگ با او کفر ... و احترام مال او، همانند احترام خون او است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۱۸؛ به نقل از شیخ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۰-۳۵۹). در این روایت بیان می شود که مال مسلمان همانند خون او محترم است و این امر حاکی از توجه ویژه‌ی فقه به مال مسلم است.

۵-۱-۲- قاعده ضمان استیفای عمل غیر

استدلال به این قاعده بر دو مقدمه مبتنی است: ۱- مالیت داشتن عمل فرد؛ ۲- اقتضای استیفاء از عمل غیر بر ضمان منافع آن (کبیری و غلامپور، ۱۳۹۵). بهره‌مندی یا استیفاء از عمل دیگران، با وجود شرایطی موجب ضمان پرداخت اجرت المثل آن عمل گردیده و مستند حکم وجوب پرداخت اجرت المثل از طرف شخص منتفع می باشد. بنابراین در صورتی که وجوب پرداخت اجرت المثل عمل انجام شده به عامل آن به صورت عام، با قاعده‌ی مذکور اثبات گردد، همین

۱. عده من أصحابنا عن احمد بن محمد بن عیسی عن الحسین بن سعید عن فضالة بن ایوب عن عبدالله بن بکیر عن ابی بصیر عن ابی جعفر (ع) قال: قال رسول الله (ص): «سباب المؤمن فسوق و قتاله کفر ... و حرمة ماله کحرمة دمه».

نهاد به صورت خاص وجوب پرداخت اجرت المثل خدماتی که زوجه در ایام زناشویی نسبت به زوج انجام داده است را اثبات می‌گرداند.

۵-۱-۳- قاعده ی ما یضمن در استیفاء از عمل غیر

علماء در مواردی امر به انجام عملی، مادامی که قرینه ای بر مجانی بودن وجود نداشته و عامل قصد تبرع نکرده باشد، قائل به ثبوت ضمان هستند و حتی در صورتی که امر قصد انجام تبرعی عمل را داشته، اما عامل تبرعاً به انجام آن فعل نپرداخته است، ضمان را ثابت می‌دانند. به این معنا که از منظر فقهاء، قصد یا عدم قصد تبرع از سوی آمر، در نتیجه ی امر تأثیری نداشته و قصد عامل، تعیین کننده ی ضمان یا عدم ضمان آمر است (طباطبایی، ج ۱۲، ص ۱۳۹).

۵-۲- ادله و مستندات قانونی

بعد از تبیین ادله ای که در فقه امامیه برای استحقاق عامل نسبت به اجرت المثل عمل خود بیان شده است، در این قسمت به تبیین مبانی قانونی این موضوع پرداخته شده است.

۵-۲-۱- قانون مدنی

ماده ۳۳۶ قانون مدنی و تبصره الحاقی^۱ آن که به طور خاص درباره اجرت کارهای زوجه است، ناظر به استیفاء از عمل غیر است که آمر به دیگری دستور انجام دادن کاری با اجرت می‌دهد و او نیز بدین گفته پاسخ مثبت می‌دهد؛ در ماده ۳۳۷^۲ قانون مدنی نیز استفاده کننده با اذن صاحب مال از آن بهره می‌برد؛ یعنی نوعی تراضی صریح یا ضمنی درباره استیفاء از مال وجود دارد و بر مبنای آن قانون‌گذار استیفاء کننده را ملزم به پرداخت اجرت المثل می‌داند.

۵-۲-۲- قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق

بند الف تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق، تحت شرایطی به زوجه مطلقه حق داده است که اجرت المثل خدمات دوران زناشویی را مطالبه کند. این تبصره و شرایط مندرج در بند الف آن بدین شرح است: «پس از طلاق در صورت درخواست زوجه مبنی بر مطالبه حق الزحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده است، دادگاه بدو از طریق تصالح نسبت به تأمین خواسته زوجه اقدام می‌نماید و در صورت عدم امکان تصالح، چنانچه ضمن عقد خارج لازم، در

۱. هرگاه کسی برحسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهبیای آن عمل باشد عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته است

تبصره: چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً برعهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید.

۲. هرگاه کسی بر حسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیراستیفاء منفعت کند، صاحب مال مستحق اجرت المثل خواهد بود، مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده است.

خصوص امور مالی، شرطی شده باشد طبق آن عمل می‌شود، در غیر این صورت، هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد، و نیز تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نباشد، به ترتیب زیر عمل می‌شود:

بند الف- چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید».

۵-۲-۳. قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱)

در ماده ۲۹ این قانون، تعلق اجرت المثل به زن مطابق ماده ۳۳۶ قانون مدنی لازم الاجرا شناخته شد. علاوه بر این در بند ۸ ماده ۵۸ این قانون آمده است که قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق به جز بند (ب) نسخ شده است. بنابراین قانون مورد بحث، پرداخت اجرت المثل به زن را فقط مطابق ماده ۳۳۶ قانون مدنی می‌داند.

لازم به ذکر است که پیش از این بر اساس قانون مقررات مربوط به طلاق، اجرت المثل منحصرأً مربوط به زمان طلاق دانسته می‌شد و با شرط عدم تقاضای طلاق از ناحیه زوجه، اجرت المثل پرداخت می‌گردید. اما اکنون با توجه به ماده ۲۹ قانون حمایت از خانواده و ماده ۵۸ این قانون و همچنین مبنای بحث اجرت المثل ایام زوجیت یعنی تبصره ۳۳۶ قانون مدنی؛ دریافت اجرت المثل منحصر به زمان طلاق و تقاضای طلاق از طرف زوج نمی‌باشد.

۶- شرایط استحقاق دریافت اجرت المثل

استحقاق دریافت اجرت المثل توسط زوجه، بر اساس قوانین مذکور فوق (قانون مدنی، قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق و قانون حمایت از خانواده) مستلزم ترتیبات و شرایطی است، که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۶-۱- احراز انجام اعمال در دادگاه

بار اثبات انجام عمل توسط زن بر اساس اصل عدم، به عهده ی زوجه بوده که با توجه به محیط خصوصی خانه، بسیار مشکل است. البته دیدگاهی هم بر مبنای ظاهر عرفی انجام امور منزل توسط زن وجود دارد که بر اساس تقدم ظاهر بر اصل، زوج را مدعی دانسته و اثبات خلاف این ظاهر عرفی را بر عهده وی می‌دانند. (محقق داماد، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۰۱).

۶-۲ - اجرت داشتن عمل در عرف

از اموری که برای مستحق دانستن عامل نسبت به اجرت المثل ذکر گردیده، این است که عمل در عرف دارای اجرت باشد (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۰۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۴۹؛ موسوی خمینی، ج ۱، ص ۵۸۲) یا شأن عامل اقتضاء کند که برای انجام چنین عملی اجرت بگیرد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۴۹).

۶-۳ - واجب نبودن اقدام به عمل توسط عامل

در صورتی که عمل واجب عینی باشد، نمی‌توان در مقابل آن اجرتی دریافت کرد. زیرا وقتی این عمل از جانب شارع مقدس برای فرد واجب شده است، گرفتن اجرت برای آن اکل مال به باطل است. در این صورت، عمل عامل محترم نیست و پرداخت اجرت در مقابل آن عمل از روی رضایت خاطر نمی‌باشد (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۳۵) لذا مطالبه ی اجرت در قبال انجام تکالیف شرعی و قانونی، مجاز نیست.

۶-۴ - اجرت المثل؛ متعلق به کارهای خارج از وظایف زوجیت

انجام امور منزل از اموری است که جزو وظایف زوجه نیست؛ اما اموری مانند حسن معاشرت و یا تربیت فرزندان جزو وظایف زوجین است و هیچ یک از آنها به موجب انجام این اعمال مستحق دریافت اجرت نخواهند بود.

۶-۵ - امر آمر (زوج) به انجام عمل

الزام به پرداختن اجرت المثل در صورتی ایجاد می‌شود که اقدام عامل به امر استیفا کننده باشد، وگرنه اقدام به کاری خودسرانه اصولاً برای دیگران تعهد ایجاد نمی‌کند، هر چند که از آن مستفید شوند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷).

۶-۶ - عدم قصد تبرع

بر اساس قاعده‌ی اقدام، کسی که با قصد تبرع عملی را انجام دهد، مستحق اجرت نخواهد بود و دیگر وجهی برای ضمان آمر یا رعایت قاعده ی احترام مال مسلم باقی نمی‌ماند (محقق داماد، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۱۸) به علاوه آن که در ماده ۳۳۶ قانون مدنی صراحتاً آمده است که: «... عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود، مگر اینکه معلوم شود که قصد تبرع داشته است».

۷- اجرت المثل زنان شاغل در قانون و آرای قضایی

هرچند در هیچ کجای قانون به صراحت در مورد میزان اجرت المثل زنان شاغل صحبتی نشده است، اما نظر برخی از دکترین حقوقی و قضات حکایت از این می‌کند که در محاسبه میزان اجرت المثل برای زنان شاغل، باید اجرت المثل کمتری مدنظر قرارداد؛ و مشخصاً با وجود اینکه قانون درباره این مسئله مسکوت است، اما این آرا بر روی تصمیم قضات و رویه دادگاه تاثیر می‌گذارد. برای نمونه می‌توان به این دو نمونه رای قضایی اشاره کرد:

«... و در صورت اصرار زوج به طلاق باید کلیه حقوق مالی زوجه از قبیل ۳۱۳ سکه بابت مهریه و اجرت المثل ایام زندگی مشترک با توجه به شاغل بودن زوجه و مطالبه نصف دارایی زوج و نفقه ایام گذشته خود و فرزند مشترک را به زوجه بپردازد...» (دادنامه قطعی به شماره: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۱۴۱۰؛ سامانه ملی آرای قضایی).

«... بنا به ادعای شخص وکیل خواهان، زوجه حداقل یکسال و نیم از زندگی مشترک را به کار به بیرون از منزل در فاصله زمانی ۳۱/۶/۸۹ تا ۲۶/۶/۹۳ اختصاص داده و با وصف شاغل بودن زوجه ادعای این که تمام کارهای منزل توسط وی انجام شده منطبق با واقع نمی‌باشد لذا دادگاه مستنداً به تبصره ماده ۳۳۶ و ۱۱۰۲ و ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ و ۱۲۵۷ و ۱۲۵۹ و ۱۲۸۴ و ۱۳۲۱ از قانون مدنی و ماده ۱ و ۴ و ۳۰ از قانون حمایت خانواده و مواد ۲ و ۳ از قانون آیین دادرسی مدنی حکم بر بی حقی خواهان پرونده صادر و اعلام می‌دارد...» (دادنامه قطعی به شماره: ۹۴۰۹۹۸۲۲۱۸۱۰۰۲۸۸؛ سامانه ملی آرای قضایی).

همان‌طور که در این دو رأی مشاهده می‌شود، شاغل بودن زوجه به عنوان یک معیار در تعیین میزان اجرت المثل، مورد توجه قاضی قرار گرفته شده است و در متن دادنامه تصریح شده است که اجرت المثل ایام زوجیت با توجه به شاغل بودن زوجه محاسبه شود. بنابراین می‌توان گفت در بحث اجرت المثل ایام زوجیت، شاغل بودن زوجه به مثابه سنجهای برای وضع و پرداخت میزان کمتر اجرت المثل برای برخی از قضات در نظر گرفته می‌شود.

۸- نظریه تعیین میزان اجرت المثل کمتر برای زنان شاغل و ادله آن

همان‌طور که بیان شد برخی از صاحب نظران حقوقی و قضات معتقدند که یک زن شاغل به دلیل مشغله‌های شغلی و مدت زمان زیادی که خارج از منزل می‌گذارند، نمی‌تواند به تمامی امورات خانه و خانواده رسیدگی کند و یا وقت کمتری را به امور خانه اختصاص می‌دهد و لذا مستحق دریافت اجرت المثل کمتری نسبت به یک خانم خانه دار خواهد بود. مستند و مبنای

حکم این دسته از قضات و حقوقدانان در قانون، بحثی است که درباره نحله مطرح شده است، یعنی بند (ب) تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق؛ در این قسمت در مورد نحله این چنین بیان شده است که: «با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسع مالی زوج، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زوجه تعیین می‌نماید». با توجه به این عبارت، در تعیین میزان نحله، نوع کارهای زوجه در منزل شوهر به عنوان یک معیار قرار می‌گیرد. حال، برخی از قضات برای تعیین اجرت المثل نیز - با وجود تفاوت اجرت المثل و نحله - به این تبصره، تمسک ورزیده‌اند و در واقع از نظر آنها این همان جوازی است که به طور ضمنی در قانون اجازه می‌دهد، میزان اجرت المثل برای زنان شاغل متفاوت از میزان اجرت المثل زنان خانه دار در نظر گرفته شود. در حقیقت، در این دیدگاه، صرف وقت کمتر در انجام امور منزل توسط زنان شاغل و به تبع آن عدم امکان رسیدگی به تمام کارهای خانه، مفروض گرفته شده و حکم بر اساس مدت زمان حضور در منزل صادر می‌شود.

۹- نقد و بررسی نظریه تعلق میزان اجرت المثل کمتر به زنان شاغل از دیدگاه فقه و حقوق

حضور و مشارکت زنان به عنوان نیمی از اجتماع در پیشبرد اهداف جامعه و تحقق تمدن اسلامی مطلوب، اهمیت بسیاری دارد. درست است که اسلام هیچ گونه تکلیف اقتصادی بر دوش زنان نگذاشته است، اما اشتغال لزوماً یک فعالیت اقتصادی نیست و بسیاری از بانوان بر حسب علاقه و استعداد مشغول به حرفه و شغلی هستند که می‌تواند بسیاری از نیازهای جامعه را برآورده کند؛ البته هستند بانوانی که به خاطر شرایط اقتصادی مجبور به کار و فعالیت اقتصادی هستند. حال به هر دلیلی که باشد، عده‌ای از بانوان مشغول به کار هستند و اگر که اسلام و قانون جمهوری اسلامی ایران، اشتغال زنان را به عنوان حق و گاهی تکلیف (اجتماعی، دینی و غیره) آنان پذیرفته است، باید در راستای حمایت از بانوان شاغل قدم بردارد. بخشی از این حمایت، حمایت قانونی است که می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات باشد.

با توجه به آنچه که تا کنون مورد بحث قرار گرفت، طبق نظر برخی از حقوق دانان، زنان شاغل مستحق دریافت اجرت المثل کمتری نسبت به زنان خانه دار هستند، که در ادامه به نقد این نظر از منظر احکام و قوانین و قواعد فقهی و حقوقی می‌پردازیم.

۹-۱- قاعده احترام به عمل و مال مسلم

همان طور که پیش تر به آن اشاره شد، یکی از مبانی فقهی قانون اجرت المثل، قاعده احترام به عمل و مال مسلم است. در این قاعده بیان می‌شود که مال و عمل مسلمان همانند خون او

محترم است و این امر حاکی از توجه ویژه ی فقه به مال و عمل مسلم است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۰۶؛ محقق داماد، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۱۹).

حال وقتی مال و عمل مسلم این چنین اهمیت دارد، باید در اختصاص با موضوع پژوهش به این مسئله توجه کرد که زمانی که کارهایی که کارهایی که یک خانم شاغل انجام می‌دهد، همان کارهایی باشد که یک خانم خانه‌دار انجام می‌دهد، آیا این خلاف عدالت نیست که دادگاه از میزان اجرت او کم کند؟ آیا صرفاً مدت زمانی که او در منزل نبوده است، معیار این نظر قرار گرفته تا مستحق دریافت اجرت کمتری باشد؟ آیا صرف بودن در منزل و صرف زمان بیشتر مطرح است یا کیفیت حضور نیز باید مهم باشد؟

۹-۲- بررسی تطبیقی ملاک تعیین میزان اجرت در اجاره اشخاص در فقه و حقوق ایران با اجرت المثل زنان شاغل

در بحث اجاره اشخاص، اجرت و منفعت اشخاص معمولاً: ۱- به وسیله زمان و ۲- به وسیله عمل یا کار

مشخص می‌شود. با وجود اینکه در میان زن و شوهر قراردادی برای کار در منزل وجود ندارد، اما حتی اگر بر فرض زن را به عنوان اجیر برای کارهای خانه در نظر بگیریم؛ «در بحث اجاره، منفعت به سه طریق مشخص می‌شود:

۱- به وسیله زمان، در مواردی که تعیین منفعت جز به وسیله زمان ممکن نباشد مانند: سکونت (در اجاره خانه)، و در برخی موارد شیر دادن بچه.

۲- به وسیله زمان یا مسافت، در منفعتی که تعیین آن هم با زمان ممکن است و هم با مسافت، مانند سواری، زیرا سواری را هم می‌توان به وسیله زمان تعیین کرد مثل سوار شدن به مدت یک ماه، و هم به وسیله مسافت مانند سوار شدن تا رسیدن به شهری معین.

۳- به وسیله زمان یا عمل، مانند اجیر کردن شخصی برای خیاطی؛ زیرا خیاطی را هم می‌توان با زمان تعیین کرد مانند خیاطی کردن در طول یک ماه، و هم می‌توان با عمل تعیین کرد مانند دوختن لباس خاص» (شهید ثانی، ۱۳۸۸: ۲۴).

با توجه به مورد سوم «اگر قصد مستاجر صرف انجام کار در آن مدت باشد، عقد اجاره صحیح است به شرط اینکه انجام کار در ظرف آن مدت ممکن باشد (یعنی آن مدت گنجایش انجام آن کار را داشته باشد)، حال اگر کار در آن زمان انجام گرفت، اجیر مالک آن اجرت می‌شود زیرا غرض مستاجر حاصل شده است» (شهید ثانی، ۱۳۸۸: ۲۵).

همچنین سید کاظم طباطبایی یزدی در کتاب عروه الوثقی، چند راه برای معلومیت منفعت ذکر کرده است:

۱- معلوم کردن منفعت از راه تعیین مدت؛ مانند اجاره ی یک منزل مسکونی برای یک روز یا یک ماه.

۲- معلوم کردن منفعت از راه تعیین عمل؛ مانند اجیر کردن یک خیاط برای دوختن یک لباس به شکل مخصوص.

۳- معلوم کردن منفعت از راه تعیین دفعات استفاده مانند اجاره یک نوار فیلم ویدیویی برای یک بار دیدن (یزدی، ۱۳۷۵: ۱۵).

لذا با توجه به مباحث مطرح شده، کارهایی که زوجه در منزل شوهر انجام می دهد می تواند به دو صورت در نظر گرفته شود:

- کارهای زوجه وابسته به زمانی است که در منزل شوهر می گذرانند، که در این صورت خانمی که شاغل است باید اجرت کمتری دریافت کند و خانمی که خانه دار است مستحق دریافت اجرت المثل بیشتری می باشد.

- کارهای زوجه منوط به نتیجه است و مهم انجام دادن کار است و به مدت زمان صرف شده بستگی ندارد. که در این صورت وقتی کارهای منزل انجام شده باشد، زوجه مستحق دریافت اجرت المثل کامل است هر چند در زمان کمتری کارها را به سرانجام رسانیده باشد. به عبارتی زوجه فقط تعهد به نتیجه دارد.

به علاوه در حقوق مدنی در ذیل بحث اجاره اشخاص آمده است که: «در صورتی که تعهد اجیر، تعهد به نتیجه باشد، باید نتیجه مورد نظر حاصل گردد تا اجیر مستحق اجرت شود و اگر تعهد به وسیله یا فعل باشد، صرف اثبات انجام تلاش های لازم، کافی برای دریافت اجرت می باشد» (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۲۵۱).

بنابراین به نظر می رسد در برخی موارد اجیر لزوماً نباید مدت زمان خاصی را صرف انجام امری کند، بلکه غرض حصول نتیجه کار است؛ با توجه به این قاعده، اگر مسئله رسیدگی به امور منزل می باشد و خانمی این توانایی را در خود دیده است که همزمان با وجود شاغل بودن، می تواند از پس مدیریت امور خانه نیز برآید، چرا باید اجرت المثل کمتری به این بانوی وظیفه شناس تعلق بگیرد؟!

لازم به ذکر است که این فرض هم صحیح نیست که یک خانم خانه دار، تمام مدت مشغول رسیدگی به امور منزل است! چرا که ممکن است زمان بیشتری را به استراحت، تفریح یا فعالیت های

شخصی خود اختصاص دهد. بنابراین صرف در منزل بودن، به معنای انجام کار بیشتر در منزل نیست. چه بسا بانوی شاغلی که با وجود وظایف شغلی، بهتر و بیشتر به امورات منزل و خانواده رسیدگی کند، چراکه او می‌داند زمان کمتری را در منزل است فلذا با برنامه‌ریزی صحیح و حسن مدیریت به تمامی امور منزل در زمان برنامه‌ریزی شده رسیدگی می‌کند اما ممکن است بانویی که خانه‌دار است به علت فراغت زمانی چنین مدیریت زمانی را نداشته باشد و یا زمان خود را صرف اموری غیر از کارهای منزل هم بکند.

لذا با توجه به بررسی ماهیت اموری که بانوان در منزل انجام می‌دهند، و مبانی ای که در مورد لزوم پرداخت اجرت به ایشان بیان شد، می‌توان این نتیجه را گرفت که اساساً این اجرت در ازای انجام اعمال خاصی از بانو انجام می‌پذیرد، و حضور مطلق زن در خانه دارای هیچ گونه اجرتی نخواهد بود؛ زنان در مقابل آن اعمالی که انجام شده با توجه به شرایط تحقق اجرت المثل مانند عدم قصد تبرع و... مستحق دریافت اجرت می‌شوند.

۹-۳- قاعده میسور

توجه داشته باشید که در احکام اسلام، رسیدگی به امور خانه و خانواده در دسته مستحبات توصیه شده قرار می‌گیرد نه واجبات، چنان که در فتوای امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله آمده است: نشوز در زن (که عبارت است از خروج او از اطاعت شوهر در اموری که بر زن واجب است) به واسطه ترک کارهایی که انجام آن‌ها بر زن واجب نیست تحقق نمی‌یابد؛ پس اگر زن از امور منزل و حوائج مرد که به امور جنسی بین آن‌ها ارتباط ندارد، از قبیل جارو کردن یا خیاطی یا غذا پختن یا غیر این‌ها، حتی آب دادن و پهن کردن رختخواب، خودداری نماید نشوز تحقق پیدا نمی‌کند (موسوی خمینی، ج ۲، القول فی النشوز).

بنابراین، انجام هیچ یک از کارهای منزل واجب شرعی زنان نیست و مرد در این باره و نسبت به این امور حق فرمان به زن ندارد.

همچنین، زمانی که قانون مدنی برای انجام امور منزل برای زوجه اجرت المثل در نظر می‌گیرد، این به آن معناست که قانون فرض را بر این گرفته است که رسیدگی به امورات منزل از واجبات و وظایف زوجه نیست و حتی در تبیین شرایط استحقاق دریافت اجرت المثل نیز می‌گوید اعمالی که خارج از وظایف زوجیت باشد. فلذا یعنی قانون نیز پذیرفته است که این اعمال خارج از دایره اعمال واجب است. حال با این دید به این مسئله بنگرید که یک زن شاغل، با وجود اینکه هیچ گونه وظیفه شرعی در این زمینه برعهده او نیست، مسئولیت رسیدگی به خانه و خانواده را می‌پذیرد، مسئولیتی که

تمام وقت است و استراحت و مرخصی و حقوق ندارد؛ او با توجه به وظایف، مشغله‌ها، دغدغه‌ها و اهدافش مشغول پرداختن به امورات دیگری نیز هست و لذا از وجود خود مایه می‌گذارد، از خودگذشتگی می‌کند تا خانواده‌اش در آسایش و آرامش به سر ببرند و اشتغال او لطمه‌ای به خانواده‌اش وارد نکند؛ در واقع اگر با عینکی حقیقت‌گرایانه و منصفانه بنگریم، می‌بینیم که لطف و فداکاری چنین زنی چند برابر است و نباید از این فداکاری‌ها به سادگی گذشت و آن را مورد غفلت قرار داد و گرنه خلاف عدالت با او برخورد نموده‌ایم؛ این موضوع را می‌توان مبتنی بر قاعده میسور (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۲۷) در نظر گرفت؛ بدین معنا که این زن در انجام این عمل توصیه شده، در حد توان اقدام نموده و کوتاهی ننموده است و لذا باید استحقاق او بر اجرت بر این اساس در نظر گرفته شود.

۹-۴- قاعده لاضرر

در روایتی از رسول مکرّم اسلام (ص) دارد که فرمودند: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (حرعاملی، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۲۶، ص ۱۴)، یعنی در دین اسلام ضرر زدن به خود و دیگران جایگاهی ندارد و یا به تعبیر برخی اندیشمندان دینی، حکم ضرری در اسلام نفی شده است (انصاری، [بی تا]، ص ۱۰۵؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۱۱؛ محقق داماد، ۱۳۸۷، ص ۱۴۲). همچنین به تعبیر برخی دیگر، در مقام قضا و به عنوان ضابطه‌ای حکومتی نیز مردم از ایراد ضرر به یکدیگر منع شده‌اند (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۱۴۹) البته «شکی نیست که نفی ضرر و ضرار، از اموری است که عقل مستقلاً به آن حکم می‌کند؛ علاوه بر آن که مواردی از آیات قرآن نیز شاهد بر آن بوده، و بسیاری از روایات نیز بر آن دلالت دارند» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۳) این قاعده از مشهورترین قواعد فقهی است که در تمامی ابواب فقه از عبادات تا معاملات، مورد استدلال قرار گرفته و در بسیاری از مسائل نیز تنها مدرک برای اثبات حکم است.

این قاعده به تنهایی برای اثبات تعلق حق الزحمه زنان شاغل به صورت عادلانه مکفی است، اسلام دینی است که نمی‌پذیرد ضرری متوجه شخصی شود و اگر ما طبق این قاعده فقهی به میزان اجرت‌المثل زنان شاغل و مسائل پیرامونی و زحمات ایشان نگاه کنیم هرگز راضی نمی‌شویم که زنی با آن همه لطافت و گذشت، زندگی و جوانی‌اش را پای همسر و فرزندانش بگذارد و در آخر بنا به هر دلیلی مجبور به ترک زندگی‌اش شود و زحمات او هم با تنگ نظری به ورطه حساب و کتاب آید و او را متوجه ضرری فاحش کند، ضرری که هم شامل ترک زندگی زناشویی است و هم شامل نادیده گرفتن زحمات و فداکاری‌های اوست؛ به تعبیر شهید مطهری طلاق در اینجا

تنها فسخ زوجیت نیست، ورشکستگی و نابودی زن است؛ این در حالی است که همان طور که بیان گردید، حکم ضرری در اسلام بر اساس این قاعده نفی شده است.

۹-۵- قاعده عسر و حرج

در بین عالمان شیعی - به ویژه متأخرین - استدلال به قاعده لاجرح به جهت نفی بسیاری از تکالیف مستلزم عسر و حرج، مشهور شده است. براساس این قاعده، معنی عدم حرج، عدم جعل حکمی است که موجب ضیق و سختی بر مکلفین، چراکه دین مبین اسلام امتنانا نمی خواهد انسان را با برخی از احکام و وظایف در تنگنا و سختی قرار دهد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۴۹. مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۵۹).

حال در مورد موضوع پژوهش حاضر، نادیده گرفتن زحمات زنان شاغل و حکم تقلیل اجرت المثل ایام زوجیت برای زنان شاغل، در بسیاری موارد می تواند موجب شود که زن در زندگی به عسر و حرج افتد، این عسر و حرج می تواند مالی، جسمی و یا روانی باشد که اکنون به شرح هر سه می پردازیم.

۹-۵-۱- عسر و حرج مالی

زنی که در زندگی برای خانواده اش از خودگذشتگی نموده - به خصوص در مواردی که به درخواست مرد، مجبور به طلاق و جدا شدن می شود - حال او نه تنها خانواده اش را از دست داده، بلکه به خاطر تغییر به وجود آمده، ممکن است بعد از طلاق با یک بحران مالی رو به رو شود. چرا که نفقه او برعهده مرد بوده است، درست است که زنان شاغل ممکن است درآمدی داشته باشند اما قطعاً با توجه به حساب و کتاب های مالی در زندگی مشترک، هزینه هایی متحمل زن می شود که برای آنها از پیش برنامه ریزی نکرده است، چرا که مسئولیت آن را مرد به عهده داشته و حال دیگر زن به تنهایی مجبور است، لذا اگر بعد از طلاق پشتوانه ای مالی مناسبی نداشته باشد، او ممکن است در ادامه زندگی با سختی های بسیاری دست و پنجه نرم کند و مهریه، اجرت المثل و استیفای کامل حقوق مالی زن، شاید بتواند به میزانی جلوی این بحران ها را بگیرد.

۹-۵-۲- عسر و حرج جسمی و روانی

زنی که سالیان سال با استفاده چند برابر از ظرفیت وجودی و جسم خود سعی کرده است تا در کنار مشغله های شغلیش، به امورات خانواده نیز رسیدگی کند و حال که مدتی از آن می گذرد و جسم زن رو به تحلیل رفتن است، زن باید آن زندگی را که برای آن زحمات کشیده است

رها کند، به ویژه در صورتی که آن طور که شایسته است حق و حقوق او پرداخت شود و همین موضوع سبب می‌شود، برای زن بار روانی ایجاد شود و حتی گاهی او را به سمت بیماری‌های روحی و روانی از جمله افسردگی، احساس تنهایی، بی‌اعتمادی، اضطراب و بکشاند.

لذا همان طور که بیان شد، گاهی بدون آنکه به طور عمیق به مسائل اصلی و پیرامونی یک موضوع بنگریم، تحت شرایطی، یک معیار را شاخص قرار می‌دهیم و تمام توجه خود را به آن معطوف می‌کنیم، بدون آن که حواشی و احتمالات را در نظر بگیریم، در این مسئله نیز به نظر می‌آید توجه برخی از صاحب نظران تنها به وقت کمتری است که یک زن شاغل در خانه می‌گذارد و متأسفانه سایر شرایط و از جمله عسر و حرجی که در چنین شرایطی بعد از طلاق ممکن است گریبان گیر چنین زنی شود، مورد کم لطفی قرار گرفته است و لذا اگر صاحب نظران حقوقی به طور دقیق به واکاوی زندگی قشر بانوان شاغل و زندگی بعد از طلاق آنها بپردازند، طبق قواعد بیان شده با دقت بیشتری نسبت به تعیین میزان اجرت المثل این زنان اظهار نظر خواهند کرد که این خود به طور مستقیم بر روی رویه دادگاه‌های کشور و بهبود زندگی زنان شاغل مطلقه اثرگذار خواهد بود.

امید است که با توجه به تبیین انجام شده از منظر احکام و قواعد فقهی، بتوان قدمی در راستای احقاق حقوق و قدردانی از بانوان فداکار و وظیف شناس برداشت تا با فراغ بال و حمایتی گسترده، با اطمینانی بیشتر، در جهت تقویت بنیان‌های خانواده در ضمن کار و تلاش اجتماعی قدم بردارند.

۱۰- یافته‌ها

- مبنای فقهی اجرت المثل ایام زوجیت عبارت است از، قاعده احترام به مال و عمل مسلم که طبق این قاعده هر کس به دستور دیگری مشغول به انجام کاری شود و اثبات گردد که عمل او به قصد تبرع نبوده است، مستحق دریافت اجرت خواهد بود.

- مبنای قانونی اجرت المثل ایام زوجیت عبارتند از: ماده ۳۳۶ قانون مدنی و تبصره الحاقی آن، ماده ۳۳۷ قانون مدنی، قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (بند - الف - تبصره ۶)، ماده ۲۹ و بند ۸ ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱)

- استحقاق دریافت اجرت المثل توسط زوجه، مستلزم شرایطی است، مانند دستور یا تقاضای زوج برای انجام کار، عدم قصد تبرع در زمان انجام کار و همچنین اجرت المثل مربوط به کارهایی است که خارج از وظایف زوجیت باشد.

- قانون در خصوص میزان استحقاق اجرت المثل ایام زوجیت زنان شاغل ساکت بوده و هیچ نکته صریحی در این خصوص وجود ندارد؛ اما نظر برخی از دکترین حقوقی و قضات حکایت از تعلق اجرت المثل کمتر به زنان شاغل است؛ که این نظرات به طور مستقیم بر روی تصمیم قضات و رویه دادگاه‌ها تاثیرگذار است.

- مستند استدلال صاحبان نظریه تعلق میزان اجرت المثل کمتر به زنان شاغل، در بند (ب) تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق است؛ در این تبصره، به طور ضمنی بیان شده است که دادگاه مبلغی را از باب نحله با توجه به نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده، برای زوجه تعیین می نماید. و این همان مستمسکی است که به قضات اجازه داده تا با تحلیل ادله مختلف و با تصمیم خود مبلغی کمتر، بیشتر و یا برابر برای زنان شاغل در نظر بگیرند.

- ادله موافقان استحقاق اجرت المثل کمتر به زنان شاغل این است که، زن شاغل به دلیل مشغله‌های شغلی و مدت زمان زیادی که خارج از منزل می گذارند، نمی تواند به تمامی امور خانه و خانواده رسیدگی کند و بنابراین، مستحق دریافت اجرت المثل کمتری است.

- ادله مخالفت با استحقاق اجرت المثل کمتر به زنان شاغل این است که، یک زن شاغل که علاوه بر وظایف شغلیش به امور خانواده هم رسیدگی کرده، مستحق دریافت اجرت المثل کمتر نخواهد بود. اگر میزان استحقاق اجرت المثل زنان شاغل را تنها با ملاک و میزان صرف زمان در منزل بسنجیم در برخی موارد مواجه با حکم ناعادلانه خواهیم شد.

نتیجه گیری

دیدگاه موافق با تعلق اجرت المثل کمتر به زنان شاغل با تمسک به احکام و قواعد فقهی شامل احکام اجاره اشخاص و قاعده احترام به مال و عمل مسلم، قاعده میسور، قاعده لاضرر و قاعده نفی عسر و حرج مورد نقد جدی قرار دارد و با توجه به ماهیت اموری که بانوان در منزل انجام می دهند، و مبنای ای که در مورد لزوم پرداخت اجرت به ایشان بیان شد، می توان این نتیجه را گرفت که این اجرت در ازای انجام اعمال خاصی از طرف بانوی خانه تقدیم می گردد، و حضور مطلق زن در خانه دارای هیچ گونه اجرتی تلقی نمی شود؛ زنان در مقابل آن اعمالی که انجام شده با توجه به شرایط تحقق اجرت المثل مانند عدم قصد تبرع و... مستحق دریافت اجرت می شوند؛ بنابراین می توان دریافت اجرت المثل را قائم به نتیجه کار و نه وابسته به حضور مطلق زن در خانه دانست. با توجه به ملاک تعیین میزان اجرت در اجاره اشخاص در فقه و حقوق ایران بر اساس دو ویژگی مدت زمان و یا میزان عمل، می توان به نقد نگرش موافق با تعلق اجرت المثل کمتر به

زنان شاغل از باب زمان حضور در خانه پرداخت و تعیین میزان اجرت بر اساس ملاک میزان عمل را مورد تایید قرار داد. به علاوه در حقوق مدنی در ذیل بحث اجاره اشخاص آمده است که: «در صورتی که تعهد اجیر، تعهد به نتیجه باشد، باید نتیجه مورد نظر حاصل گردد تا اجیر مستحق اجرت شود و اگر تعهد به وسیله یا فعل باشد، صرف اثبات انجام تلاش‌های لازم، کافی برای دریافت اجرت می‌باشد».

لذا کارهایی که زوجه در منزل شوهر انجام می‌دهد می‌تواند به دو صورت در نظر گرفته شود:
۱. کارهای زوجه وابسته به زمانی است که در منزل شوهر می‌گذرانند ۲. کارهای زوجه منوط به نتیجه است و مهم انجام دادن کار است.

بنابراین به نظر می‌رسد در برخی موارد عامل لزوماً نباید مدت زمان خاصی را صرف انجام امری کند، بلکه غرض حصول نتیجه کار است؛ با توجه به این قاعده، اگر مسئله رسیدگی به امور منزل باشد و خانمی این توانایی را دارد که همزمان با وجود شاغل بودن از پس مدیریت امور خانه به طور تمام و کمال برآید، نباید میزان اجرت المثل این بانوان کمتر در نظر گرفته شود. در نظر گرفتن ملاک میزان انجام عمل برای تعیین میزان اجرت المثل ایام زوجیت به عدالت نزدیک‌تر است.

منابع

- ◀ ازکیا، مصطفی، و دربان آستانه، علیرضا (۱۳۹۷). روش‌های کاربردی تحقیق. چاپ چهارم.
- ◀ انصاری، شیخ مرتضی. رسائل فقهیه، ج ۱. رساله فی قاعده لا ضرر، بی‌تا.
- ◀ انصاری پور، محمدعلی، و صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۸۴). اجرت المثل کارهای زوجه و نقد آرای محاکم در این زمینه، مدرس علوم انسانی ویژه نامه حقوق.
- ◀ انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵). کتاب المکاسب. جلد دوم.
- ◀ پورعبدالله، کبری، و سرخ حصار، فاطمه (۱۳۹۴). مبانی فقهی و حقوقی اجرت المثل خانه داری و بررسی وظایف شرعی زوجه در فقه، فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، (۶۳).
- ◀ جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۵). ترمینولوژی حقوق. چاپ شانزدهم.
- ◀ حاتمی، علی اصغر، و زبرجد، سیده فاطمه (۱۳۹۴). اجرت المثل ایام زوجیت و نحله با نگرش بر قانون حمایت خانواده مصوب اسفند ۱۳۹۱. مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۷ (۱).
- ◀ حلی، محمد بن منصور (ابن ادریس) (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). کتاب وسائل الشیعه. جلد ۲۶.
- ◀ حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳). کتاب مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه. جلد دوم، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- ◀ حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). کتاب شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. جلد دوم.
- ◀ خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸). موسوعه الامام الخوئی . چاپ اول.
- ◀ سامانه ملی آرای قضایی، شماره دادنامه قطعی : ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۱۴۱۰، تاریخ دادنامه قطعی : ۱۳۹۲ / ۱۰ / ۰۹، گروه رای : حقوقی، آراء منتخب پرونده : شعبه دیوان عالی کشور.
- ◀ شهید ثانی (۱۳۸۸). شرح لمعه دمشقیه. ترجمه دکتر حمید مسجدسرای، ج ۴، انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ◀ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۷۸). المبسوط فی فقه الامامیه . چاپ سوم.
- ◀ طیبی ابوالحسنی، سید امیرحسین، و دهقانان، حامد (۱۳۹۸). تحلیلی مردم نگارانه بر نوع نگاه به اشتغال (مورد مطالعه دانشجویان دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه علامه طباطبایی). مشاوره شغلی و سازمانی، (۴۶)، ص ۱۰۵ - ۱۳۶.
- ◀ عمید، حسن . فرهنگ فارسی عمید . چاپ بیست و ششم.
- ◀ قاسم زاده، عاتکه، و مرادی، خدیجه (۱۳۹۴). اجرت المثل زوجه در فقه و حقوق ایران با نظر به قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۴۸ (۲)، ۳۰۱-۳۱۷.
- ◀ کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی). چاپ چهاردهم.
- ◀ کاظمی، زهره (۱۳۹۱). بررسی فقہی-حقوقی اجرت المثل زوجه در ایام زوجیت و میزان کارآمدی قوانین در استیفای آن.
- ◀ کبیری، حمیده، و غلامپور، محمدرضا (۱۳۹۵). مبانی فقہی حقوقی اجرت المثل اعمال زوجه، فقه و تاریخ تمدن، (۴۸)، ۱۰۹-۱۳۴.
- ◀ لنکرانی، محمدفاضل موحدی (۱۴۲۴). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسيله - الاجاره، چاپ اول.
- ◀ محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۷). قواعد فق ۱- بخش مدنی. تهران: مرکز نشر علوم اسلام.
- ◀ مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۱۷). القواعد . چاپ سوم.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). القواعد الفقہیة. انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴). قواعد الفقہیہ. ترجمه محمدجواد نوری همدانی جلد اول و دوم، ۱۳۹۴، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). قاعده لاضرر. تهیه و تنظیم حجة الإسلام محمد جواد بنی سعید ترجمه القواعد الفقہیة، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ◀ موسوی بجنوردی، سید حسن. القواعد الفقہیة. ج ۲ و ۴، قم: نشر الهادی.
- ◀ موسوی الخمینی، سید روح الله (۱۴۲۶). توضیح المسائل . چاپ اول.

- ◀ موسوی الخمينی، سيد روح الله. كتاب النكاح. القول في النشوز ، جلد دوم، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني .
- ◀ نجفی ، محمد حسن (۱۴۰۴) . جواهرالكلام في شرح شرائع الاسلام . چاپ هفتم.
- ◀ واسطی زبيدي ، محب الدين سيد محمد مرتضى (۱۴۱۴) . تاج العروس من جواهر القاموس . چاپ اول.
- ◀ يزدي ، سيد محمد كاظم طباطبائي (۱۴۰۹) . العروه الوثقى فيما تعم به البلوى . چاپ دوم
- ◀ يزدي طباطبائي، سيد محمد كاظم (۱۳۷۵). العروه الوثقى. كتاب الاجاره، قم: انتشارات جامعه مدرسين.